



# کارنامه‌ها آینه تمام نمای شکست

یامردود شده اند و یا تجدیدی . چهره شادان همکلاسی‌ها ، رنجشان می‌دهد . "پشیمانی" را میتوان در صورتشان خواند برخود نهیب می‌زنند که ای دل غافل چرا ما درس نخواندیم تا همانند آنها اینک با خوشحالی بسیار بخانه رویم . غمی بزرگ برقلب کوچکشان سنگینی میکند . غم اینکه پدر و مادر چگونه آنها را پذیرا میشوند و در مقابل این شکست چگونه با آنان روبرو خواهند شد .

راستی ، شما پدر عزیز و شما مادر گرامی ؛ اگر فرزند شما در چنین موقعیتی قرار گرفت با او چگونه رفتار خواهید کرد ؟ چگونه به

با پایان گرفتن بهار و آغاز تابستان ، دانش‌آموزان به نتایج یک سال تحصیلی خود رسیده و میرسند و در روزی از روزهای اواخر خرداد یا اوایل تیرماه ، کارنامه بدست راهی منزل میشوند . چهره‌ها متفاوت است . برخی شادمانند و باصطلاح از شادی در پوست خود نمی‌گنجدند . روشن است که اینان در طول سال تحصیلی ، بدرستی درس خوانده‌اند بگونه‌ای که از کار خود نتیجه مثبت گرفته اند و کارنامه آنان جواز ورودشان بکلاس بالاتر است .

برخی دیگر با باری از اندوه بردل ، بسوی خانه ره می‌سپرنند . این دانش‌آموزان

## و پیروزی ها نیست

استقبال کودکی که تجدیدی یا مردود شده است ، میروید ؟

آیا او را تسلی می دهید و فوراً برای تابستانش ترتیب برنامه ای را می دهید که درس بخواند و جبران عقب ماندگی او بشود ؟

آیا او را بلافاصله تنبیه می کنید یا قبل از هر چیز او را بخاطر بعضی از نمرات خوبی که احتمالاً گرفته است ، تشویق می کنید ؟

لطفاً کمی بیندیشید . او کودک دلبنده شماست ، عکس العمل شما در برابر این رویداد ، درآینده او تاثیر بسزائی دارد .



آنکه را که قبول شده است و آنکه را که تجدیدی و یا رد شده است بگرمی پذیرا شوید . قبول شده را ارج نهید و تشویق کنید و کودکی که تجدیدی آورده و یا مردود شده است را نیز از محبت پدری یا مادری بی نصیب نکنید .

قبول داریم هنگامی که کودک با گلوی پر از بغض و چشمان انباشته از اشک و دستهای لرزان کارنامه خود را که گویای تجدیدی شدن و یا مردودی او در امتحان است به خانه میآورد ، مشکل ترین لحظه‌های زندگی پدر و مادر آغاز میشود . اما باید بپذیرید که این لحظه ، از مهمترین زمان زندگی شما نیز محسوب میشود زیرا رفتار و واکنش پدر و مادر میتواند او را سرخورده ، مایوس و دلزده کند و یا برعکس کودک را به آینده امیدوار و دلگرم سازد تا او با اتکای به نفس بتواند به جبران گذشته پردازد و از این شکست و ناکامی ، درس بزرگی بیاموزد . درس مبارزه و پیکار در زندگی . فرزند شکست خورده خود را سرزنش و تنبیه نکنید ، ابتدا سعی کنید که علت این ناکامی و شکست را با بردباری پیدا کنید و در رفع آن بکوشید . با کودک به صحبت

بنشینید و به او تفهیم کنید که زندگی برای هر جاننداری صحنه مبارزه است و این مبارزه فقط مربوط به "آدم" نمیشود . البته آدم هم یک جاندار است و از این مبارزه بدور نیست . بطور مثال صحنه ای از مسابقه دو را برایش مجسم کنید که اگر او دوتنده ای باشد که پایش بلغزد و به زمین بخورد ، کدام راه را باید پیش گیرد . دیگر به مسابقه ادامه ندهد و شاهد پیشرفت دیگران باشد یا برخیزد و با کمی پشتکار بیشتر و کمی سرعت زیادتر خود را به دیگران برساند و این عقب ماندگی جزئی را جبران کند !

به او بگوئید که هر شکستی میتواند آغازی برای پیروزی باشد . همانطور که ورزشکاران در مسابقات ورزشی همیشه پیروز و موفق نیستند و از شکست خود پند گرفته بر کوشش خویش افزوده و در مسابقات بعدی پیروزیهای چشمگیری بدست میآورند ؛ در صحنه دانش اندوزی نیز ، هر کودک باید چنین باشد .

برای فرزند تجدیدی شده خود در تابستان برنامه ای تدوین کنید که او ضمن

درس خواندن بتواند به بازیها و سرگرمیهای دلخواهش نیز بپردازد و این هر دو را به خوبی با هم انجام بدهد بگونه‌ای که در شهریور ماه با میل و رغبت و آگاهی بیشتر در امتحان شرکت کند و قبول شود .

گفتیم که نحوه رفتار و عکس العمل پدر و مادر در آینده طفل شکست خورده بسیار موثر است . در اینجا به نظر پروفیسور " شتارک " استاد روانشناس آلمانی که تحقیقاتی در اطراف بچه‌های رفوزه شده انجام داده ، استناد میکنیم . او مینویسد : " شاگردان مردود اگر تحت مراقبت و دقت خاص و راهنمایی و ارشاد قرار نگیرند ، یکی از دو راه انحرافی کشیده میشوند . دسته ای از خود به کلی مایوس میشوند ، و به همین جهت در مقابل مشکلات و شادای زندگی ، زود تسلیم میگرددند و از نظر روحیه موجوداتی کاملاً ضعیف بار میآیند و دسته دیگر چون سرخورده و ناراحت هستند ، شروع به ضرر رسانیدن بدیگران و خرابکاری میکنند . آنها در آینده اشخاصی شرور و مزاحم و سربار اجتماع بار میآیند .

پدر و مادر عزیز : فرزند شما سرمایه جاودانی شماست . نگذارید این سرمایه متزلزل شود . اگر کودک شما طعم تلخ شکست را چشیده است ، شما زندگی را بر او تلخ تر نکنید . با روشی منطقی و عاقلانه به کمک او بشتابید و او را در مبارزه صحیح با مشکلات زندگی ، رهنمون شوید .

از سوی دیگر بدین موضوع بیندیشید و دریابید که شکست فرزند شما در اثر نداشتن استعداد کافی در فراگیری دروس بوده است و یا نداشتن استعداد و یا برخورداری از درصد هوشی قابل توجه ، نتوانسته است به روی پیروزی آغوش بگشاید ؟ و در این رهگذر چنانچه به نتیجه مثبت و مقرون به واقعیتی رسیدید ، بنگرید میزان عدم توجه شما به فرزندتان تا چه حد در شکست او موثر بوده است ؟ بنابراین با علم باین موضوع باید گفت که او چندان هم قابل شامت نیست پس سعی کنید از هم اکنون خود را در امور تحصیلی وی شریک بدانید و او را در این راه پرفراز و نشیبی که در پیش دارد ، تنها نگذارید .

